یادداشت

تورم نهادی و پراکندگی مسئولیت

حامد خانجانی: یکی از شیوه‌های پرتکرار حکمرانی در کشور برای مواجهه با ضعف، ناکارآمدی یا انحراف برخی نهادها، ایجاد نهادی موازی در کنار نهاد موجود بوده است. هرگاه نهادی، به هر یک از دلایل ساختاری یا عملکردی، پاسخ‌گوی انتظارات حاکمیت نبوده، به جای اصلاح همان نهاد، ساختاری تازه با وظایفی مشابه یا هم‌پوشان پدید آمده است. این الگو را می‌توان در حوزه‌های مختلف از جمله نظامی، فرهنگی و اقتصادی مشاهده کرد. نهادهای حرفه‌ای هم از این رویکرد مستثنا نبوده‌اند؛ برای مثال، تشکیل مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه با وجود کانون وکلای دادگستری و کانون کارشناسان رسمی دادگستری و نمونه‌های متعدد دیگری که طی چند دهه گذشته شکل گرفته‌اند. در حوزه ساخت‌وساز نیز با وضعیتی مشابه مواجه هستیم. شهرداری مطابق قانون، مسئول کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان جهت انطباق عملیات ساختمانی با پروانه و ضوابط شهرسازی است؛ مهندس ناظر، مأمور و عامل شهرداری در امر کنترل قلمداد می‌شود که وظیفه دارد وضعیت ساختمان را به شهرداری گزارش کند و سازمان نظام مهندسی نیز وظایف حرفه‌ای، انتظامی، آموزشی و سازماندهی خدمات مهندسی را بر عهده دارد. با این حال، در عمل مرز میان این مسئولیت‌ها طی دهه‌های اخیر روشن نمانده و با آیین‌نامه‌ها و توافق‌های مغایر با اصول مدیریتی و مهندسی، نقش کنترلی شهرداری به سازمان نظام مهندسی و شخص مهندس ناظر منتقل شده است. نتیجه، شکل‌گیری مجموعه‌ای از نهادها و اشخاص با وظایف متداخل است؛ به‌گونه‌ای که هنگام بروز تخلف یا حادثه، هر نهاد می‌تواند مسئولیت را متوجه دیگری بداند. چنین وضعیتی به جای افزایش نظارت، به ابهام در مسئولیت، کاهش پاسخ‌گویی و گاه گسترش فساد منجر می‌شود. تعدد نهادهای مسئول الزاما به معنای تعدد مراکز پاسخ‌گو نیست؛ چه‌بسا هرچه بازیگران بیشتر شوند، مسئولیت نهایی مبهم‌تر شود. برای توجیه تأسیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، از انحصارطلبی نهادهای پیشین و محدودیت شدید در پذیرش اعضای جدید سخن گفته شده است. حتی اگر این انتقاد را تا حدودی وارد بدانیم، راه‌حل منطقی آن ایجاد نهادی موازی نبوده است. اتفاقی که با وجود سابقه کانون وکلا و کانون کارشناسان، اوایل دهه ۸۰ افتاده است. قانون‌گذار می‌توانست با اصلاح قوانین پذیرش، افزایش شفافیت، تعیین معیارهای عینی و اعمال نظارت مؤثر، انحصار احتمالی را در همان نهادها برطرف کند. ایجاد ساختار دوم، گرچه به‌ظاهر مشکل نخست را مرتفع کرده، اما مشکلات دیگری ناشی از نظامی دوگانه با استانداردها، مدیریت‌ها و منافع سازمانی متفاوت به وجود آورد. در حوزه ساختمان نیز اگر شهرداری‌ها گرفتار ناکارآمدی و تعارض در امر کنترل، ضعف تخصصی یا ناتوانی اجرائی هستند، راه‌حل، انتقال مسئولیت آنها به نهاد دیگری نیست؛ آن هم سازمان نظام مهندسی؛ یک تشکل حرفه‌ای که تنها برای تنظیم امور داخلی مهندسان و ارتقا و انتظام حرفه مهندسی پدید آمده است و یک نهاد عمومی مانند شهرداری با مأموریت تأمین مصالح و منافع عموم مردم نیست. حاکمیت باید برای ایفای نقش کنترلی و نظارتی توسط شهرداری‌ها که وظیفه ذاتی و قانونی آنهاست، واحدهای فنی شهرداری‌ها را تقویت کرده، سازوکار کنترل و بازرسی مستقل ایجاد کند، مسئولیت‌ها را دقیق و شفاف کند و مدیران و مأموران متخلف را پاسخ‌گو نگه دارد. سازمان نظام مهندسی نیز باید در جایگاه واقعی خود، یعنی تنظیم امور حرفه‌ای مهندسان، ارتقای صلاحیت‌ها و رسیدگی انتظامی باقی بماند، نه آنکه به جانشینی برای دستگاه کنترل حاکمیتی تبدیل شود. حکمرانی کارآمد با تکثیر سازمان‌ها و ایجاد پراکندگی مسئولیت‌ها حاصل نمی‌شود. راه‌حل پایدار، اصلاح نهاد موجود، تفکیک دقیق وظایف، حذف هم‌پوشانی‌ها و استقرار نظام روشن پاسخ‌گویی است. اگر نهادی ناکارآمد است، باید علت ناکارآمدی آن برطرف شود، نه اینکه نهادی دیگر با همان وظایف در کنارش ایجاد شود. در غیر این صورت، هر مشکل نهادی به تولد یک سازمان تازه می‌انجامد و کشور با انبوهی از نهادهای دارای وظایف مشابه اما بدون مسئولیت نهایی و قابل پیگیری روبه‌رو خواهد شد که امروز شده است.

ناترازی انرژی و تبعات آن

ادامه از صفحه اول

در نتیجه می‌توان گفت این چالش چندبُعدی است که متأسفانه طی این سال‌ها توسعه کشور را تحت‌الشعاع قرار داده و باعث شده درآمد سرانه، رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی و... کاهش یابد. انرژی می‌تواند زیربنای قدرت اقتصادی، ثبات اجتماعی و قدرت سیاسی کشورها باشد و فراتر از یک کالای اقتصادی است و نباید آن را صرفا در خاموشی و کمبود گاز و کاهش سوخت تحلیل کرد. در یک بیان کلی، می‌توان گفت کمبود انرژی باعث کاهش ظرفیت تولید بنگاه‌ها و تعطیلی آنها می‌شود که در نتیجه کاهش تولید، کاهش بهره‌وری، کاهش سود و در نهایت افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی را گریبان‌گیر کشور می‌کند. طبق گزارش مرکز آمار، رشد اقتصاد کشور در سه‌ماهه اول ۱۴۰۵، ۱،۱۰ درصد منفی گزارش شده و این علامت بسیار خطرناکی است. این عدد باید هشداری جدی به حاکمیت بدهد که ادامه این روند، فروپاشی اقتصادی است که در نهایت منجر به فروپاشی سیاسی و اجتماعی می‌شود. مگر ما از نظر حجم ذخایر انرژی، به‌ویژه نفت و گاز، در جایگاه چهارم و دوم جهان نیستیم، پس چرا امروز به این شرایط رسیده‌ایم؟ آیا راه‌حلی ندارد؟

راهکارها:

الف: اصلاح ساختار حکمرانی انرژی از طریق

۱. ادغام وزارت نفت و نیرو و تأسیس وزارت انرژی، ۲. افزایش مشارکت بخش خصوصی و واردکردن آنها در نظام تصمیم‌گیری، ۳. تشکیل نهاد رگولاتور (متشکل از دولت و بخش خصوصی)، ۴. جلوگیری از مداخلات سیاسی و نظرات غیرکارشناسی توسط حاکمیت، ۵. تفکیک سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری، ۶. انتخاب مدیران شجاع، پاکدست، تصمیم‌گیر و ریسک‌پذیر.

ب: مدیریت بهینه مصرف: ۱. تنظیم ساعات فعالیت صنایع و ادارات، ۲. اجبار و تعهد در اجرای ساختمان‌ها در راستای کنترل مصرف (استانداردهای اجباری)، ۳. استفاده از سیستم‌های هوشمند و روش‌های نوین مصرف و تولید، ۴. ایجاد مشوق برای کاهش مصرف در ساعات پیک.

ج: منطقی‌کردن قیمت انرژی: لذا باید ۱. این کار به صورت تدریجی انجام شود، ۲. اقناع جمعی و عمومی قبل از هر اقدام صورت گیرد و ۳. اثرات مالی این افزایش قیمت خاص در زندگی مردم ملموس باشد.

د: توسعه نیروگاه‌ها و افزایش توان تولید نفت خام و گاز از طریق سرمایه‌گذاری

ذ: توسعه حمل‌ونقل عمومی از طریق ۱. نوسازی ناوگان‌ها و حمل‌ونقل عمومی موجود، ۲. توسعه مترو، ۳. سخت‌گیری و اصلاح استانداردهای خودرو و ۴. ایجاد ظرفیت‌های جدید حمل‌ونقل و زیرساخت‌ها.

ر: تقویت دیپلماسی انرژی از طریق ۱. حرکت به سمت جلوگیری از تنش‌های موجود ایجادشده در حوزه جنگ و توقف فوری آن با گرفتن تصمیمات بزرگ که متضمن منافع کشور در کوتاه‌مدت و درازمدت باشد، ۲. تلطیف روابط سیاسی با همسایگان، ۳. سرمایه‌گذاری از طریق جذب سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور و همین‌طور شرکت‌های خارجی، ۴. سرمایه‌گذاری دوطرفه در پروژه‌های آنها و طرح‌های ما، ۵. توسعه بازارهای منطقه‌ای و ۶. سوآپ نفت و گاز.

جمع‌بندی: تمام این راهکارها هم شدنی است و هم دستیابی به آنها امکان‌پذیر؛ منتها ابتدا باید اهمیت و استراتژیک‌بودن آن در سطح حاکمیت کاملا تبیین شود که بدانند هرگونه تأخیر در اجرای تصمیمات چه عواقب نگران‌کننده‌ای خواهد داشت. دوم اینکه برای انجام اقدامات کوتاه‌مدت و بلندمدت ذکرشده، لازم است ستاد راهبردی انرژی به ریاست رئیس‌جمهور و با شرکت وزارتخانه‌های نفت، نیرو، صمت، دفاع، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، رئیس سازمان برنامه و بودجه و معاونت بهینه‌سازی انرژی تشکیل و مصوبات آنها پس از تأیید رهبری به اجرا گذاشته شود. سوم اینکه رئیس‌جمهور با انتخاب مدیران شجاع، پاکدست، تصمیم‌گیر و ریسک‌پذیر، سکان اداره مجموعه‌های انرژی را به آنها واگذار کند و با حمایت همه‌جانبه و نظارت لازم، بستر توسعه، بازسازی و نوسازی را فراهم کند. فقط تصمیم بگیرید.

رمزگشایی از دیدار اردوغان با ژنرال لیبیایی

آینده لیبی در دست خاندان حفتر؟



مهسا مژدهی: خلیفه حفتر ۸۳ساله، ژنرال لیبیایی، هفته گذشته مورد استقبالی پرشکوه در آنکارا قرار گرفت. رسانه‌های نزدیک به دولت اردوغان، در شرایطی این دیدار را برجسته کرده و روی آن مانور دادند که ترکیه، دولت حفتر در لیبی را به رسمیت نمی‌شناسد. از سوی دیگر هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه، فقط چند روز قبل از این دیدار، با وزیر خارجه دولت رقیب حفتر که از سوی ترکیه به رسمیت شناخته می‌شود، دیدار کرده بود.

ترکیه در لیبی به دنبال چیست؟

تاریخ حضور ترکیه در لیبی به سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ برمی‌گردد. در آن زمان، مداخله نظامی ترکیه در حمایت از دولت مستقر در طرابلس یا همان دولت وفاق ملی، مسیر جنگ داخلی را تغییر داد و نیروهای خلیفه حفتر را مجبور به عقب‌نشینی از غرب لیبی کرد. اما پس از برقراری آتش‌بس در همان سال، آنکارا برقراری ارتباط با مقامات شرق لیبی را آغاز کرد.

این روند نزدیک‌شدن در سال ۲۰۲۵ و پس از آن سرعت گرفت که ایالات متحده آمریکا تلاش‌هایی را برای آشتی‌دادن دولت‌های رقیب لیبی آغاز کرد. هم‌زمان، روندی با میانجیگری سازمان ملل به توافق ۴+۴ در ماه اوت امسال منجر شد؛ توافقی که نقشه راهی سیاسی برای تشکیل دولت متحد و برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی در سراسر کشور طی دو سال آینده فراهم می‌کند.

الجزیره نوشته است: ترکیه از جمله کشورهایی بود که از روند آشتی استقبال کرد و آن را مورد حمایت قرار و در عین حال، روابط دیپلماتیک و نظامی خود با شرق لیبی را نیز گسترش داد. آنکارا در ماه ژوئیه توافق‌هایی با ارتش ملی لیبی به رهبری حفتر درباره زیرساخت‌های نظامی و آموزش نیروها امضا کرد.

جلال حرشاوی، تحلیلگر مسائل لیبی، به الجزیره گفت قدرت نظامی ترکیه و توانایی این کشور برای ماندن و حضور مستمر در صحنه، جایگاه و اعتبار آنکارا را در سراسر لیبی افزایش داده است. او گفت: «امروز هیچ رهبر مهمی در لیبی نمی‌تواند از آنکارا روی برگرداند».

توافق تعیین مرز دریایی که ترکیه در سال ۲۰۱۹ با دولت مستقر در طرابلس امضا کرد، از اهمیت ویژه‌ای در روابط آنکارا با لیبی برخوردار است؛ توافقی که شرق لیبی فقط ماه گذشته آن را پذیرفت. این توافق به یکی از نقاط اختلاف سیاسی میان چند کشور در شرق مدیترانه تبدیل شده است. یونان و اسرائیل با آن مخالفت کرده‌اند و مصر نیز آن را مورد انتقاد قرار داده و استدلال کرده است این توافق حقوق دریایی قاهره را نقض می‌کند. با این حال، آنکارا از این توافق دفاع کرده و آن را قانونی دانسته است.

ترکیه تلاش کرده است رهبران نظامی دو طرف رقیب در لیبی را به یکدیگر نزدیک کند. در ماه می، یاشار گولر، وزیر دفاع ترکیه، با عبدالسلام الزوبی، معاون وزیر دفاع دولت طرابلس و صدام حفتر، پسر خلیفه حفتر و فرمانده ارشد ارتش ملی لیبی دیدار کرد. ابراهیم کالین، رئیس سازمان اطلاعات ترکیه هم بعدها با صدام حفتر در شهر بنغازی، واقع در شرق لیبی دیدار کرد.

در ماه اکتبر، آنکارا میزبان مذاکرات دیگری درباره اتحاد نظامی لیبی بود که در جریان آن، موضوع تشکیل فرماندهی مشترک نظامی در شهر سرت، واقع در مرکز لیبی مطرح شد. با این حال، اختلاف‌ها بر سر اینکه چه کسی باید بر یک ارتش متحد اختیار سیاسی داشته باشد، همچنان حل‌نشده باقی مانده است.

در حوزه اقتصادی، ترکیه یکی از ۱۰ کشوری است که از تصویب نخستین بودجه ملی یکپارچه لیبی در بیش از یک دهه گذشته استقبال کرد. آنکارا همچنین تلاش‌های دیپلماتیک خود را با دیگر کشورهایی که در روند آشتی لیبی مشارکت دارند، هماهنگ کرده است. در ماه ژوئن، هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، در قاهره با همتایان مصری و سعودی خود و نیز مسعد بولوس، مشاور ارشد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، گفت‌وگو کرد. فیدان در ماه اوت نیز به طرابلس و بنغازی سفر کرد و در هریک از این دو شهر، دیدارهای جداگانه‌ای با عبدالحمید دبیبه، نخست‌وزیر دولت طرابلس و خلیفه حفتر انجام داد.

با این حال، آنکارا تاکنون به‌طور علنی از هیچ سازوکار مشخصی برای تقسیم قدرت حمایت نکرده است. میانجی‌های آمریکایی از پیشنهاد بحث‌برانگیزی حمایت کرده‌اند که بر اساس آن، صدام حفتر رئیس شورای ریاست‌جمهوری شود؛ شورایی سه‌نفره که به عنوان رئیس دولت لیبی عمل می‌کند.

ترکیه به دنبال وحدت در لیبی است؟

آنکارا در هر دو بخش این کشور منافع نظامی و اقتصادی دارد و توافق مرزی دریایی نیز یکی از پایه‌های ادعاهای ترکیه درباره آب‌هایی در شرق مدیترانه است که احتمال وجود ذخایر گاز در آنها مطرح شده است. قرارگرفتن لیبی تحت یک دولت واحد به آنکارا امکان می‌دهد توافق‌های دفاعی، انرژی و بازسازی خود را در چارچوبی نهادی و یکپارچه دنبال کند. اگرچه آنکارا در حال حاضر در طرابلس و بنغازی موقعیت مناسبی دارد، تحلیلگران به الجزیره گفتند بی‌ثباتی و اختلاف‌نظر درباره اینکه چه کسی باید رهبری لیبی آشتی‌کرده را برعهده بگیرد، موانع بزرگی در این مسیر هستند.

گزینه ترکیه برای آینده لیبی کیست؟

لیبی با بحران اقتصادی عمیق‌تری دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ بحرانی که با تضعیف دینار، افزایش هزینه‌های زندگی، کمبود سوخت و پول نقد و وخامت خدمات عمومی همراه شده است. همه این عوامل در یک سال گذشته به افزایش اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها منجر شده و سایه‌ای بر تلاش‌ها برای ایجاد ثبات سیاسی انداخته‌اند. به نظر می‌رسد در آنکارا، صدام حفتر، پسر خلیفه حفتر یکی از گزینه‌های محبوب باشد. کار تا آنجا پیش رفته که برخی می‌گویند ترکیه با حمایت از صدام، همان راهی را می‌رود که در سوریه طی کرده است.

اگرچه پیشنهاد انتصاب صدام حفتر به ریاست شورای ریاست‌جمهوری از حمایت میانجی‌های آمریکایی برخوردار است، با مخالفت گروه‌های قدرتمند سیاسی و مسلح در غرب لیبی، به‌ویژه در مصراته، روبه‌رو شده است. کارشناسان معتقدند پسر خلیفه حفتر، فرمانده نظامی لیبی، جایگاه خود را به عنوان جانشین احتمالی پدر تثبیت کرده و نفوذش را گسترش داده است. اما تلاش او برای رسیدن به ریاست‌جمهوری ممکن است لیبی را بار دیگر به سمت درگیری سوق دهد.

سال‌هاست پرسش‌هایی درباره جانشینی خلیفه حفتر مطرح بوده است. تصور غالب این بود که حفتر ۸۳ساله تا زمانی که زنده است، کنترل مستقیم نیروهای مسلح عرب لیبی را حفظ خواهد کرد. همچنین گمانه‌زنی‌هایی وجود داشت مبنی بر اینکه این نیروها در صورت نبود حفتر ممکن است دچار فروپاشی و چندپارگی شوند؛ چراکه این مجموعه ترکیبی از یک نهاد نظامی و یک تشکیلات خانوادگی است. با این حال، در سال‌های اخیر حفتر به‌تدریج از صحنه کنار رفته و پسرانش، صدام، خالد، بلقاسم و الصادق، بیشتر در کانون توجه قرار گرفته‌اند.

انتصاب صدام از سوی خلیفه حفتر به‌عنوان معاون فرمانده کل در اوت ۲۰۲۵، جایگاه او را به‌عنوان جانشین احتمالی پدر تثبیت کرد. صدام نه‌تنها به واسطه موقعیت نظامی خود، بلکه از طریق نفوذ فزاینده‌ای که گفته می‌شود با استفاده از واسطه‌ها در بخش‌های نفت و گاز و بانکداری شرق لیبی به دست آورده، به قدرتمندترین پسر حفتر تبدیل شده است. صدام که از این پیشرفت‌های دیپلماتیک تقویت شده، اخیرا اقدامات مهمی برای گسترش نفوذ خود انجام داده است. برکناری رئیس باسابقه مجلس نمایندگان در ماه اکتبر و جایگزینی او با چهره‌ای که به حمایت از نیروهای مسلح عرب لیبی شناخته می‌شود، به‌طور گسترده اقدامی دانسته می‌شود که صدام آن را سازماندهی کرده است. این اقدامات در کنار فعالیت‌های دیپلماتیک و نزدیکی با ترکیه، آینده صدام حفتر را رقم خواهد زد.

اندیشکده چتم‌هاوس در گزارشی وضعیت را برای او این‌طور توصیف کرده است: صدام اکنون در مرکز هرگونه تلاش سیاسی برای متحدکردن کشور قرار دارد. جاه‌طلبی او برای ورود به طرابلس به‌خوبی شناخته شده است. افراد آشنا با بخش امنیتی در پایتخت می‌گویند متحدان محلی صدام در تلاش‌اند زمینه را برای ورود او فراهم کنند.

گزارش

فراخواندن صد هزار نیروی ذخیره در بریتانیا

حدود ۱۰۰ هزار نیروی «ذخیره راهبردی» بریتانیا برای نخستین بار پس از دوران جنگ سرد فراخوان آماده‌باش برای بازگشت احتمالی به خدمت دریافت کردند. در متن نامه‌هایی که برای این افراد ارسال شده، از احتمال استفاده از آنها برای وضعیت اضطراری ملی یا بحران بزرگ صحبت شده است. دولت بریتانیا در بحبوحه تشدید تهدیدهای امنیتی در اروپا روند به‌روزرسانی اطلاعات حدود ۱۰۰ هزار نیروی «ذخیره راهبردی» خود را آغاز کرده است؛ اما گزارش‌ها نشان می‌دهد وزارت دفاع به دلیل نقص در سوابق اداری، نشانی نیمی از این نظامیان پیشین را در اختیار ندارد. وس استریتینگ، وزیر دفاع بریتانیا، در گفت‌وگو با اسکای‌نیوز تأیید کرد این وزارتخانه برای بررسی به‌روزبودن اطلاعات شخصی کهنه‌سربازان و اطلاع از مهارت‌ها و تجربه‌هایی که پس از ترک نیروهای مسلح کسب کرده‌اند، مکاتبه با اعضای «نیروهای ذخیره راهبردی» را آغاز کرده است.

استریتینگ با تأکید بر اینکه این اقدام به معنای قریب‌الوقوع‌بودن جنگ نیست، آن را یک «اقدام احتیاطی معقول و ضروری» در فضای تهدید تشدیدشده کنونی دانست و گفت: «این از آن دست کارهایی است که اگر اکنون انجام ندهیم، ۲۰ یا ۳۰ سال دیگر در یک تحقیق عمومی خواهند پرسید چرا وزارت دفاع آماده نبود و این اطلاعات را به‌روز نگه نمی‌داشت؟».

با این حال، روزنامه تلگراف فاش کرده است هرچند حدود ۱۰۰ هزار نیروی ذخیره راهبردی مشمول این طرح هستند، وزارت دفاع بریتانیا به دلیل خطاهای اداری نشانی نیمی از آنها را گم کرده و عملا ده‌ها هزار کهنه‌سرباز نامه پستی دریافت نخواهند کرد.

این گروه شامل حدود پنج درصد از نظامیان پیشین بریتانیاست که پس از پایان خدمت، همچنان در شرایط استثنایی ملزم به بازگشت به خدمت هستند و در زمان جنگ پس از نیروهای رسمی تمام‌وقت و نیروهای ذخیره داوطلب (۳۲ هزار نفر) فراخوانده می‌شوند.

نیروهای ذخیره راهبردی قرار است در زمان جنگ یکی از خطوط اصلی دفاعی بریتانیا باشند و پس از نیروهای رسمی تمام‌وقت و نیروهای ذخیره عادی که در مرحله نخست به میدان نبرد اعزام می‌شوند، فراخوانده خواهند شد.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای فرزاد نجفی(مالک) با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق که تحت شماره های ۲۶۹۱۰و۲۶۹۰۹ مورخ ۱۴۰۵.۰۸.۰۴ دفترخانه ۱۷۷ تهران و برگ تقاضای وارده بشماره ۱۶۲۳۴ مورخ ۱۴۰۵.۰۸.۰۴ مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ آپارتمان مسکونی به پلاک ۱۹۲۵۳ (در اثر باقیمانده بودن به ۶۱۸۶۳۲ فرعی استاندارد سازی شده است) فرعی از ۲۳۹۵ اصلی قطعه چهارم تفکیکی مفروز و باقیمانده فرعی از اصلی مذکور بمساحت ۹۱.۰۱ متر مربع بانضمام انباری دو بمساحت ۸.۲۹ متر مربع ذیل ثبت ۱۶۶۶۸ صفحه ۲۰۹ دفتر ۱۰۸ بنام مریم احمدی جورابی و حسینعلی تفرشی باسویه ثبت و سند به چاپی ۹۳۸۷۶۱ صادر و تسلیم گردید. سپس برابر سند انتقال ۱۱۸۱۷ مورخ ۱۳۸۵.۰۵.۰۸ دفترخانه ۳۸۸ تهران به شکراله رسولی و برابر سند ۱۳۲۴۴ مورخ ۱۳۸۶.۰۸.۰۲ دفترخانه ۳۸۸ تهران به احمد علی کرمی (۴) دانگ و محمد حسن علی کرمی (۲) دانگ منتقل و برابر سند ۱۴۱۴۸ مورخ ۱۳۸۷.۰۴.۲۴ دفترخانه ۳۸۸ تهران به علی اکبر بهگوی منتقل و برابر سند ۱۵۷۴۱ مورخ ۱۳۸۸.۱۰.۱۲ دفترخانه ۳۸۸ تهران به عزیزاله نجفی و برابر سند ۱۰۵۸۸ مورخ ۱۳۹۶.۱۰.۰۳ دفتر خانه ۸۷۵ تهران به آقای فرزاد نجفی منتقل و سند به چاپی ۹۳۸۷۶۱ صادر و تسلیم شده است سپس نامبرده به علت اسباب کشی سند مالکیت خود را مفقود نموده است و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده اند. لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ نشراین آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سندمالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف ۱۶۰۳۲ اداره ثبت اسناد و املاک شهر آرا (تهران)

آگهی عدم تسلیم سند مالکیت

سند مالکیت ۳ دانگ مشاع از ۶ دانگ یکباب خانه بمساحت ۵۹۵.۷۶ متر مربع پلاک فرعی از ۹۲۳ اصلی واقع در بخش ۴ تهران ذیل ثبت ۸۲۴۲ صفحه ۵۵۴ دفتر جلد ۸۰املاک بشماره چاپی ۷۶۳۵۶۰ بنام علی اصغر قاسمی تبریزی ثبت و صادر گردیده و سپس برابر سند ۸۲۲۷-۸۵.۴.۱۱ دفتر ۶۸۳ تهران به محمد قاسمی تبریزی منتقل و ۳ دانگ دیگر ذیل ثبت ۲۳۴۳۱ ص ۱۶۵ دفتر ۱۳۱ بنام احمد جانکه بشماره چاپی ۸۷۹۹۱۹ ثبت و صادر گردید که سپس به موجب سند انتقال اجرایی ۱۲۰۲۹-۸۶.۶.۲۰ دفتر ۶۹۳ تهران ۳ دانگ از وراث مرحوم احمد جانکه به علی اصغر قاسمی تبریزی انتقال یافت که تمامی ۳ دانگ از طرف علی اصغر قاسمی تبریزی طبق سند ۱۲۱۰۴-۸۶.۷.۹ دفتر ۶۹۳ تهران به مریم قاسمی تبریزی ۱.۵ دانگ و مهناز قاسمی تبریزی ۱.۵ دانگ انتقال یافت که خانم مریم قاسمی تبریزی درخواست سند نموده است و اعلام داشته اصل اسناد مالکیت پلاک مذکور نزد خانم مهناز قاسمی تبریزی میباشد لذا در اجرای تبصره ۳ ماده ۱۲۰ آ.ق. ث مراتب طی اخطار اداری شماره ۱۴۰۵۸۵۶۰۱۰۴۲۰۱۳۹۷۷ مورخ ۱۴۰۵.۶.۱۰ در مورخه ۱۴۰۵.۸.۳۰ به نامبرده ابلاغ گردید که سند مالکیت را ارائه نمایند که در موعد مقرر ارائه نگردیده لذا مراتب در یک نوبت آگهی میگردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تاده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت سند مالکیت وراث را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.**

م الف ۱۶۰۳۰ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی (تهران)

پیش نویس آگهی تبصره ۳ ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت بشماره چاپی ۵۱۱۰۱۱ مربوط بپلاک ۱۰ فرعی از ۱۱۸۲ اصلی بخش ۳ تهران

سند مالکیت دفترچه ای ششدانگ یکباب مغازه وضعیت خاص طلق با کاربری تجاری به پلاک ثبتی ۱۰ فرعی از ۱۱۸۲ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۴فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۲ در طبقه -۱ و واقع در بخش ۰۳ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک ولیعصر تهران استان تهران به مساحت ۱۵.۰۱ متر مربع

متن ملک ، توضیحات ملک: به حدود شمالا: اول دیواریست اشتراکی با آپارتمان مجاور شمال غربی دوم درب و دیواریست به راه پله مشاعی شرقا: در سه قسمت دوم جنوب دیواریست اشتراکی با آپارتمان مجاور جنوب شرقی جنوبا: پنجره و دیوار و لبه بالکن است به فضای حیاط مشاعی غربا: دیواریست به درز انقطاع که ماورای آن پلاک های ۲۲۸ فرعی از ۳۸۴۷ اصلی

مشخصات مالکیت: مالکیت حسن قائم پناه فرزند شماره شناسنامه تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۹۲۹۹ تاریخ ۱۳۸۸.۰۲.۱۹ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۶۹۰ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۱۱۰۱۱ سری سال که در صفحه ۲ دفتر املاک جلد ۹۷۰ ذیل شماره ۱۴۷۱۵۵ ثبت گردیده است. مالکیت امراله اسلامی فرزند شکراله شماره شناسنامه - تاریخ تولد - دارای شماره ملی - با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۱۴۱۱ تاریخ ۱۳۹۱.۰۷.۲۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۹ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۱۱۰۱۱ سری سال که در صفحه ۲ دفتر املاک جلد ۹۷۰ ذیل شماره ۱۴۷۱۵۵ ثبت گردیده است.

مالکیت محمد حسن برازنده پی فرزند ابوالقاسم شماره شناسنامه تاریخ تولد دارای شماره ملی ۰۰۳۳۳۱۶۹۴۵ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۰۷۴۴ تاریخ ۱۳۸۸.۰۵.۲۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۹۰ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۱۱۰۱۱ سری سال که در صفحه ۲ دفتر املاک جلد ۹۷۰ ذیل شماره ۱۴۷۱۵۵ ثبت گردیده است.

حقوق ارتفاقی ملک: ندارد / محدودیت ها: ندارد

نظر به اینکه آقای حسن قائم پناه فرزند نصیب شماره شناسنامه ۳۱۴۲ برابر سند قطعی بشماره ۲۹۲۹۹ مورخ ۱۳۸۸.۲.۱۹ دفترخانه ۶۹۰ تهران بنا بر اعلام ایشان اصل سند مالکیت مشاعی مربوطه در ید آقای امراله اسلامی فرزند شکراله می باشد و با صدور اخطاریه اداری شماره ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۹۰۱۴۹۴۹ مورخ ۱۴۰۵.۸.۱۶ و ابلاغ در تاریخ ۱۴۰۵.۸.۱۶ به نامبرده ابلاغ گردیده که عین سند مالکیت صدر الاشعار را جهت اخبار به این اداره تسلیم نماید که در مهلت قانونی از تسلیم سند مالکیت مربوطه استنکاف نموده است؛ از اینرو مراتب یک نوبت در روزنامه آگهی می گردد چنانچه ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی سند مالکیت اولیه به این اداره تسلیم نگردد مراتب بطلان سند مزبور به دفاتر اسناد رسمی اعلام و سپس برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت مشاعی بنام متقاضی اقدام خواهد شد.

م الف ۱۶۰۳۳ اداره ثبت اسناد و املاک ولیعصر(عج) (تهران)